

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صفحات ۱-۲۲

## بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه

مژگان فقیری، کیومرث زرافشانی، و امیرحسین علی بیگی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۳

### چکیده

توانمندسازی زنان روستایی از مهم‌ترین سیاست‌های توسعه روستایی در عصر حاضر بوده و یکی از راهبردهای طرح توانمندسازی زنان روستایی نیز تأسیس صندوق اعتبارات خرد است. پژوهش علی-مقایسه‌ای حاضر با هدف بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد استان کرمانشاه بر توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زنان روستایی این استان انجام شد. جامعه آماری مطالعه حاضر را زنان روستایی عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد استان کرمانشاه در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ تشکیل می‌دادند. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند و جدول بارتلت ۳۶۶ نفر برآورد شد. به‌منظور گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده، که پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد. نتایج پژوهش نشان داد که صندوق‌های اعتبارات خرد استان کرمانشاه در حد متوسط اثربخش است. همچنین، واکاوی داده‌ها نشان داد که اعضای صندوق اعتبارات خرد نسبت به زنان غیرعضو از ابعاد مختلف در سطح بالاتری از توانمندی قرار دارند. در نتیجه،

---

\* به‌ترتیب، کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه (mojgan\_faghiri@yahoo.com)؛ دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه؛ و دکترای آموزش کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش حاضر در دفتر امور زنان روستایی، می‌توان با گسترش صندوق اعتبارات خرد دسترسی سایر اقشار جامعه بدین نوع اعتبارات را فراهم ساخت.

**کلیدواژه‌ها:** توانمندسازی، زنان روستایی، صندوق اعتبارات خرد، پژوهش علی-مقایسه‌ای، کرمانشاه (استان).

\*\*\*

### مقدمه

اگرچه زنان تقریباً نیمی از جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند، اما تنها ده درصد از درآمد جهان را کسب می‌کنند و نیز یک درصد از دارایی‌های جهان متعلق به آنهاست (اولایی، ۱۳۸۵: ۱۴). هرچند، زنان روستایی ۲۵ درصد بیش از مردان کار می‌کنند، اما حقوق کمتری نسبت به آنها دریافت می‌کنند (انصاری، ۱۳۷۴: ۳۰)؛ همچنین، تعداد زنان روستایی که در فقر به سر می‌برند، از ۱۹۷۰ تاکنون به دو برابر رسیده است (اولایی، ۱۳۸۵: ۲۳)، به گونه‌ای که هفتاد درصد از جمعیت فقیر روستایی را زنان تشکیل می‌دهند (اولایی، ۱۳۸۵: ۳۳).

واقعیت موجود حاکی از آن است که زنان روستایی، با وجود مشارکت در بسیاری از فعالیت‌های روستایی، از جایگاه و مرتبه اجتماعی خاص برخوردار نیستند (ویسی و بادسار، ۱۳۸۴: ۲۳). با اتخاذ تدابیر و راهبردهای هوشمندانه در راستای توجه بیشتر به نقش زنان، می‌توان به اصلاح شرایط موجود پرداخت. در همین راستا، طرح‌های متعدد در ارتباط با زنان آسیب‌پذیر روستایی به اجرا درآمد که از آن میان، می‌توان طرح توانمندسازی<sup>(۱)</sup> زنان روستایی را یادآور شد. توانمندسازی ابزاری برای قدرت بخشیدن به زنان روستایی است؛ البته بهره‌مندی آنها از چنین قدرتی نیازمند دسترسی به منابع مادی است. اعتبارات خرد، با فراهم ساختن منابع مالی (Nidheesh, 2009: 353)، این امکان را برای زنان روستایی به وجود می‌آورد تا با آگاهی از حقوق خود، بتوانند از فقر رهایی یابند و برای تغییر شرایط خود به سمت شرایط مطلوب، به برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان‌یافته بپردازند (مافی، ۱۳۸۵). به‌منظور عملیاتی کردن این طرح، از اواخر دهه ۱۹۸۰، نهادهای توسعه روستایی برنامه‌های

اعتبارات خرد را در قالب راهکاری مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی به‌ویژه فعالیت‌های خوداشتغالی و مقابله با فقر و توانمندسازی زنان روستایی در مناطق کم‌درآمد مطرح کردند (یعقوبی، ۱۳۸۴: ۱۲۶). در ایران نیز دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی از سال ۱۳۷۹ برای ایجاد صندوق اعتبارات خرد در مناطق روستایی با هدف طراحی یک الگوی بومی از اعتبارات خرد که منطبق با شرایط کشور باشد، تلاش‌هایی را آغاز کرده است.

در حال حاضر، مشکل عمده زنان روستایی عدم دسترسی آنها به خدمات مؤسسات مالی به‌ویژه اعتبارات است؛ در واقع، با توجه به دسترسی کمتر آنها به اعتبارات، چندان قادر به انجام فعالیت‌های درآمدزا نیستند. از این‌رو، در برنامه‌های اعتبارات خرد، به نیازهای اقتصادی زنان روستایی توجه ویژه شده است؛ و به دیگر سخن، نهادهای توسعه روستایی برنامه‌های اعتبارات خرد را رویکردی مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی به‌ویژه فعالیت‌های خوداشتغالی و مقابله با فقر و توانمندسازی زنان روستایی در مناطق کم‌درآمد می‌دانند (یعقوبی، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

ساختار صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران بدین صورت است که هر صندوق حداکثر دارای پنجاه عضو است. ترکیب این صندوق‌ها به‌گونه‌ای است که هر صندوق به‌صورت مستقل از دیگر صندوق‌ها و تنها بر اساس تصمیم اعضا عمل می‌کند. در ابتدای راه‌اندازی صندوق و پیش از وام‌گیری اعضا، به آنها آموزش‌های گوناگون ارائه می‌شود. از این‌رو، دفتر امور زنان روستایی کوشیده است تا آموزش‌های خود را به‌گونه‌ای طراحی و جهت‌دهی کند که بهره‌وری زنان در فعالیت‌های آنها با استفاده از وام افزایش یابد. پس‌اندازها به شکل اجباری و ماهانه بوده، نرخ کارمزد وام‌ها هفت تا ده درصد است. اقساط وام‌ها نیز طی یک دوره ده تا دوازده‌ماهه بازپرداخت می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های این صندوق‌ها بازپرداخت ۹۸ درصدی وام‌هاست که به نوبه خود در نظام پولی و بانکی کشور کم‌نظیر است. اعضای صندوق، با گذراندن دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، تلاش می‌کنند که

فرصت‌های شغلی گوناگون را شناسایی کنند؛ سپس، با تصویب طرح‌های پیشنهادی کسب و کار کوچک از سوی هیئت مدیره منتخب، به بررسی و پیگیری میزان وام، ابزار کار، امکانات و تدارکات می‌پردازند (مافی، ۱۳۸۵).

اهمیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی بر کسی پوشیده نیست. این ادعا را می‌توان در مطالعات گسترده پژوهشگران علوم مختلف در این زمینه مشاهده کرد (مافی، ۱۳۸۵؛ یعقوبی، ۱۳۸۴؛ Swain and wallentin, 2007). نتایج اکثر این مطالعات حاکی از تأثیر مثبت اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی است، به‌گونه‌ای که نه تنها به افزایش دسترسی آنها به اعتبارات بلکه به درآمدزایی در مناطق روستایی نیز انجامیده است. اما بسیاری از این مطالعات تنها به بعد اقتصادی توانمندی تأکید داشته‌اند (یعقوبی، ۱۳۸۴؛ Rahman and Naoroze, 2007؛ Swain and wallentin, 2007).

مطالعه هوگ و ایتوهارا (Hoque and Itohara, 2009) در بنگلادش به نکته‌ای جالب توجه درباره اعتبارات خرد پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که اگرچه صندوق اعتبارات خرد در زمینه توانمندسازی زنان روستایی موفق بوده است، اما توانمندی آنها تنها به بعد اقتصادی محدود و از ابعاد توانمندی اجتماعی، سیاسی و خانوادگی غافل بوده است. از سوی دیگر، به گفته رحمان و همکاران (Rahman et al, 2009: 298)، صندوق اعتبارات خرد نتوانسته است زنان روستایی را توانمند سازد. این محققان، برای اثبات ادعای خود، به مطالعه دو گروه افراد عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که توانمندی هر دو گروه تقریباً در یک سطح بوده، چندان تفاوتی در میزان توانمندی آنها به چشم نمی‌خورد؛ این در حالی است که سواين و والتین (Swain and Wallentin, 2007) در مطالعات خود به تأثیر مثبت این صندوق‌ها در توانمندسازی زنان اذعان داشتند. به دیگر سخن، چنانچه زنان نیز مانند مردان به اعتبارات دسترسی داشته باشند، آنها هم می‌توانند به موقعیت‌هایی همانند مردان دست یابند و امکان رشد فردی و اجتماعی پیدا کنند.

برخی از پژوهشگران به سنجش تأثیر اعتبارات خرد پرداخته‌اند. برای نمونه، استیل و همکاران (Steele et al, 1998) نشان دادند که مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در نتیجه دستیابی به اعتبارات خرد بسیار افزایش یافته است. از دیگر پیامدهای آن، می‌توان به افزایش نرخ بقا، سلامت، تغذیه و آموزش فرزندان به‌ویژه فرزندان دختر اشاره کرد.

اسکارلاتوس (Skarlatos, 2004) در مطالعات خود بدین نتیجه رسید که برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان نه تنها در بهبود اقتصاد جامعه و خانواده مؤثر است بلکه موجب افزایش رفاه و اعتماد به نفس زنان نیز می‌شود. وی، همچنین، بر این باور است که قرار دادن سرمایه در اختیار زنان برای راه‌اندازی فعالیت‌های درآمدزا در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آنها مؤثر بوده، موجب بهبود کیفیت زندگی آنها می‌شود.

از مجموع مطالعات پیشین می‌توان نتیجه گرفت که صندوق اعتبارات خرد در برخی از شرایط موفق بوده اما در شرایط دیگر آن‌چنان توفیقی نداشته است. شاید بتوان این تضاد در یافته‌ها را در شیوه اجرای صندوق‌ها در شرایط مختلف دانست. اما نکته حائز اهمیت آن است که ارزیابی درست توانمندسازی زنان روستایی به انتخاب شاخص‌های مناسب بستگی دارد. به دیگر سخن، باید شاخص‌های توانمندی برگرفته از متن جامعه‌ای باشد که قرار است توانمندی در آنجا سنجیده شود (Abdul Nasir et al, 2007: 24).

توانمندسازی دارای ابعاد شش‌گانه اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، سیاسی، قانونی، و روان‌شناختی است. به‌منظور آشنایی بیشتر با مفاهیم مورد نظر در قالب متغیرهای اصلی مطالعه (توانمندسازی، و توانمندی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی)، در ادامه، تعاریف مفهومی از این متغیرها ارائه شده است:

*توانمندسازی*: توانمندسازی فرایندی است که طی آن، زنان نه تنها کنترل زندگی خود را به دست می‌گیرند، بلکه توانایی مشارکت در جامعه و درک انتقادی از محیط پیرامون خود را نیز کسب می‌کنند (مافی، ۱۳۸۵).

*توانمندی اقتصادی*: مفهوم آن حضور زنان در مشاغل درآمدزاست، به گونه‌ای که نه تنها توانایی تأمین هزینه‌های زندگی خود را کسب می‌کنند، بلکه قادر به حمایت مالی خانواده نیز خواهند بود. *توانمندی اجتماعی*: عبارت است از دسترسی زنان به مکان‌های اجتماعی و حضور آنها در مراسم مذهبی؛ به دیگر سخن، در این نوع از توانمندی، زنان آزادی‌هایی را در جابه‌جایی و تحرک به دست آورده، نسبت به تحصیلات فرزندان دختر خود تعهد بیشتری احساس می‌کنند. *توانمندی خانوادگی*: به مفهوم مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده و توانایی تصمیم‌گیری در مورد فرزندان است.

از این رو، پژوهش حاضر بر آن است که با پر کردن خلاء موجود، ضمن بررسی توانمندی اقتصادی اعضای صندوق اعتبارات خرد، به ابعاد اجتماعی و خانوادگی نیز بپردازد. دستیابی بدین هدف کلی مستلزم پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

- ۱- صندوق‌های اعتبارات خرد استان کرمانشاه، از لحاظ توانمندی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی اعضا، چگونه رتبه‌بندی می‌شوند؟
  - ۲- آیا صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی اثربخش بوده است؟
  - ۳- آیا صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی خانوادگی زنان روستایی اثربخش بوده است؟
  - ۴- آیا صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی اثربخش بوده است؟
- یادآور می‌شود که به منظور انتخاب شاخص‌های مناسب برای سنجش توانمندی زنان روستایی، وضعیت موجود صندوق‌های اعتبارات خرد در قالب مصاحبه‌های عمیق به صورت گروه‌های متمرکز در روستاهای مورد مطالعه بررسی شد.

### روش تحقیق

مطالعه حاضر، از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی و توصیفی (غیرآزمایشی) است که به صورت علی-مقایسه‌ای انجام گرفته است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۶). در واقع، از آنجا که در مطالعه حاضر، محقق به دنبال اثرات اعتبارات خرد (علت) بر توانمندی (معلول) زنان

روستایی بوده است، روش علی-مقایسه‌ای مناسب به نظر می‌رسد. همچنین، مطالعه حاضر از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی به‌شمار می‌رود؛ بدین لحاظ که نتایج آن می‌تواند دستاوردهایی را برای دفتر امور زنان روستایی به‌دنبال داشته باشد.

پژوهش حاضر، به‌منظور انتخاب شاخص‌های مناسب برای سنجش توانمندی زنان روستایی، به بررسی وضعیت موجود صندوق‌های اعتبارات خرد در قالب مصاحبه‌های عمیق به‌صورت گروه‌های متمرکز در روستاهای مورد مطالعه پرداخته است؛ بدین منظور، ابتدا به‌صورت تلفنی، هماهنگی‌های لازم با دفتر امور زنان روستایی شهرستان‌ها و مسئولان صندوق اعتبارات خرد صورت گرفته و سپس، با همکاری مسئولان صندوق، به برگزاری جلسات حضوری با زنان روستایی عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد در مساجد روستا و حتی در برخی موارد، در منزل خود مسئولان صندوق اقدام شده است. پس از مراجعه حضوری به روستاهای مورد مطالعه، چندین مصاحبه در قالب گروه‌های متمرکز با زنان روستایی ترتیب داده شد. از مجموع این مصاحبه‌ها، در طراحی چارچوب مفهومی و پرسش‌های ابزار تحقیق و همچنین، آشنایی کلی با نمونه‌های تحقیق استفاده شده است. نتایج مصاحبه‌های عمیق نشان داد که توانمندسازی زنان روستایی در جامعه مورد مطالعه در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی قابل بررسی است. بعد اقتصادی توانمندی با بهره‌گیری از متغیرهایی همچون کسب درآمد مستقل، قدرت بازپرداخت وام، دسترسی به منابع و تسهیلات، و استقلال مالی سنجیده می‌شود. برای سنجش بعد اجتماعی توانمندی زنان روستایی نیز از متغیرهایی مانند شرکت در مجالس مذهبی و غیرمذهبی، آزادی در رفت و آمد، و شرکت در فعالیت‌های گروهی بهره‌گیری می‌شود. همچنین، بعد خانوادگی توانمندی به کمک متغیرهایی همچون تصمیم‌گیری در مورد ازدواج و تحصیل خود و فرزندان و نیز تصمیم‌گیری در مورد نحوه معاشرت با دیگران سنجیده می‌شود.

جامعه آماری تحقیق شامل زنان روستایی عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد شهرستان‌های کرمانشاه، کنگاور، صحنه، و هرسین بوده است (جدول ۱).

جدول ۱- جامعه آماری و حجم نمونه مورد مطالعه

شهرستان‌ها	روستاها	تعداد اعضای صندوق	حجم نمونه عضو	حجم نمونه غیر عضو
	ریزه‌وند	۴۰	۲۱	۲۱
کرمانشاه	دولتیار	۴۵	۲۴	۲۴
	کوسه‌وند	۳۳	۱۷	۱۷
	تمرگ	۲۴	۱۳	۱۳
هرسین	پریوه‌سفلی	۳۰	۱۶	۱۶
	چشمه‌کبود	۳۰	۱۶	۱۶
	قیطاس‌آباد	۳۴	۱۸	۱۸
صحنه	کندوله	۳۵	۱۸	۱۸
	الهیه	۳۴	۱۸	۱۸
کنگاور	فش	۴۱	۲۲	۲۲
جمع کل	-	۳۴۶	۱۸۳	۱۸۳

منبع: یافته‌های پژوهش

شایان یادآوری است که در سطح استان، شمار صندوق‌های اعتبارات خرد قابل توجه بوده است؛ این صندوق‌ها یا به‌تازگی تأسیس شده و یا اینکه میزان وام‌های پرداختی آنها به اعضا بسیار ناچیز بوده است و از این‌رو، به اشتغال‌زایی و در نتیجه، زمینه‌سازی برای توانمندسازی زنان روستایی نینجامیده است. بنابراین، مطالعه حاضر به بررسی صندوق‌هایی پرداخته که علاوه بر دارا بودن سابقه فعالیت پنج سال و بالاتر، میزان وام اعطایی آنها نیز به اندازه‌ای بوده است که حداقل شرایط را برای راه‌اندازی مشاغل تولیدی فراهم ساخته باشد. به‌منظور برآورد حجم نمونه، با بهره‌گیری از جدول بارتلت به‌روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند، تعداد ۱۸۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند، بدین ترتیب که در هر صندوق، با استفاده از فهرست اعضا، انتخاب نمونه‌ها به‌روش تصادفی انجام پذیرفت. از آنجا که هدف پژوهش مقایسه توانمندسازی زنان روستایی عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد بود، از



هر روستا معادل تعداد اعضای صندوق، از افراد غیرعضو ساکن در همان روستا نمونه‌گیری شد. داده‌های مورد نیاز نیز با استفاده از پرسشنامه‌ای گردآوری شد که براساس پیشینه پژوهش و مصاحبه‌ها تدوین شده بود. این پرسشنامه مشتمل بر چهار بخش ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان، سنجش میزان توانمندی اقتصادی، سنجش میزان توانمندی خانوادگی، و سنجش میزان توانمندی اجتماعی زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد بود که در قالب طیف لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) بررسی شدند. برای تعیین پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد، بدین صورت که ۳۴ نفر از اعضای صندوق اعتبارات خرد خارج از نمونه آماری انتخاب شدند. پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- ضریب آلفای کرونباخ برای هر کدام از بخش‌های پرسشنامه

آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات	گویه‌های مرتبط
۰/۷۳	۱۳	توانمندسازی اقتصادی
۰/۹۰	۲۲	توانمندسازی خانوادگی
۰/۷۲	۸	توانمندسازی اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول ۲ آمده، ضریب آلفای کرونباخ برای هر کدام از سازه‌های پرسشنامه در سطح قابل قبول است. به‌منظور بررسی اعتبار محتوایی<sup>(۲)</sup> پرسشنامه، تعدادی از آن در اختیار اعضای هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه، مسئولان ترویج استان، دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی استان، و مسئولان صندوق‌های اعتبارات خرد قرار گرفت. سپس، از توصیه‌ها و پیشنهادهای آنها برای رفع کاستی‌های ابزار تحقیق بهره‌گیری و اصلاحات لازم اعمال شد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات موجود در آنها کدگذاری و

با استفاده از نرم‌افزار SPSS18 تجزیه و تحلیل شد؛ و بدین منظور، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مانند فراوانی، درصد، میانگین و آزمون t بهره گرفته شد.

### نتایج و بحث

به منظور رتبه‌بندی اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی از شاخص توانمندی تجمعی<sup>(۳)</sup> استفاده گردید. در تعیین شاخص توانمندسازی کل براساس چارچوب مفهومی پژوهش از سه شاخص توانمندی اقتصادی، توانمندی خانوادگی و توانمندی اجتماعی بهره گرفته شد. هریک از این شاخص‌ها از تعدادی سؤال با طیف لیکرت تشکیل شده است. به عنوان مثال توانمندسازی اقتصادی از ۱۲ سؤال با طیف پنج سطحی (۱=خیلی کم، ۵=خیلی زیاد) ساخته شده است. بنابراین دامنه امتیازات در این بخش ۶۰-۱۲ است. با توجه به دامنه امتیازات به دست آمده، سطوح توانمندی زنان روستایی در هر بخش محاسبه گردید (جدول ۳). در ادامه، با استفاده از شاخص‌های جدول ۳، صندوق‌های اعتبارات خرد رتبه‌بندی شدند؛ و همان‌گونه که در جدول ۴ آمده است، از نظر توانمندی اقتصادی، روستاهای فش (۳۸ امتیاز)، تمرگ (۳۶/۵ امتیاز)، و پریوه (۳۵/۲ امتیاز)، به ترتیب، رتبه‌های اول تا سوم را به دست آورده‌اند و روستای قیطاس‌آباد نیز با امتیاز ۲۷/۷ رتبه دهم را در بین روستاهای مورد مطالعه کسب کرده است. همچنین، نتایج این بخش نشان داد که اعضای صندوق‌های دولتی، فش، تمرگ، چشمه‌کبود، پریوه، و الهیه دارای توانمندی اقتصادی متوسط بودند؛ این در حالی است که زنان عضو صندوق‌های ریزه‌وند، کوسه‌وند، کندوله، و قیطاس‌آباد از توانمندی اقتصادی کمی برخوردار بودند. به‌طور کلی، از توانمندی اقتصادی، اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد در سطح متوسط قرار دارند. به‌منظور بررسی معنی‌دار بودن اختلاف بین این صندوق‌ها از نظر توانمندی اقتصادی، از آزمون F استفاده شد و نتایج (F=۳/۶۳؛ p=۰/۰۰۰) نشان داد که این اختلاف در سطح یک درصد معنی‌دار است.

جدول ۳- شاخص توانمندسازی تجمعی (CEI)

شاخص‌ها	طیف امتیازها	تعداد سؤالات	دامنه امتیازها	سطوح توانمندی
توانمندی اقتصادی	۱ تا ۵	۱۲	$12 - 60 = 12 \times (1 - 5)$	خیلی کم $21/6 - 12$ کم $21/6 - 31/2$ متوسط $31/2 - 40/8$ زیاد $40/8 - 50/4$ خیلی زیاد $50/4 - 60$
توانمندی خانوادگی	۱ تا ۸	۲۲	$22 - 164 = 22 \times (1 - 8)$ $[(1 - 5) \times 4] + [(1 - 5) \times 4]$	خیلی کم $22 - 50/4$ کم $50/4 - 78/8$ متوسط $78/8 - 107/2$ زیاد $107/2 - 135/6$ خیلی زیاد $135/6 - 164$
توانمندی اجتماعی	۱ تا ۵	۸	$8 - 40 = 8 \times (1 - 5)$	خیلی کم، $8 - 14/4$ کم $14/4 - 20/8$ متوسط $20/8 - 27/2$ زیاد $27/2 - 33/6$ خیلی زیاد $33/6 - 40$
توانمندی کل	۱ تا ۸	۴۲	$42 - 264 = 42 \times (1 - 8)$ $[(1 - 5) \times 24] + [(1 - 5) \times 24]$	خیلی کم، $42 - 86/4$ کم $86/4 - 130/8$ متوسط $130/8 - 175/2$ زیاد $175/2 - 219/6$ خیلی زیاد $219/6 - 264$

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۴- رتبه‌بندی صندوق‌های مورد مطالعه از نظر شاخص توانمندی اقتصادی

صندوق‌ها	امتیاز توانمندی اقتصادی	رتبه	سطح توانمندی
دولتیار	۳۱/۸	۵	متوسط
ریزه‌وند	۳۰	۸	کم
کوسه‌وند	۳۱	۷	کم
فش	۳۸	۱	متوسط
تمرگ	۳۶/۵	۲	متوسط
چشمه‌کبود	۳۲/۸	۴	متوسط
پریوه	۳۵/۲	۳	متوسط
کندوله	۲۹/۳	۹	کم
الهیه	۳۱/۶	۶	متوسط
قیطاس‌آباد	۲۷/۷	۱۰	کم
کل	۳۲/۳۹	--	متوسط

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، بر اساس نتایج به‌دست آمده در ارتباط با رتبه‌بندی صندوق‌های اعتبارات خرد در زمینه توانمندی خانوادگی زنان روستایی (جدول ۵)، روستای فش با ۱۲۲/۲ امتیاز در این بخش نیز رتبه اول را کسب کرده است؛ روستاهای پریوه با ۱۱۴/۹ امتیاز و کوسه‌وند با ۱۱۴/۱ امتیاز در رتبه‌های دوم و سوم و روستاهای ریزه‌وند و تمرگ نیز به‌طور مشترک در رتبه چهارم قرار گرفته‌اند؛ همچنین، روستای کندوله با کمترین امتیاز در این بخش (۷۴/۸) در رتبه نهم جای گرفته است. اعضای صندوق‌های ریزه‌وند، کوسه‌وند، فش، تمرگ، و پریوه از توانمندی خانوادگی بالا برخوردارند، در حالی که زنان عضو صندوق‌های دولتیار، الهیه، چشمه‌کبود، و قیطاس‌آباد از این نظر در سطح متوسط جای دارند. همچنین، اعضای صندوق اعتبارات خرد کندوله از نظر توانمندی خانوادگی در سطح پایین قرار گرفته‌اند.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که کل صندوق‌های مورد مطالعه از نظر توانمندی خانوادگی در سطح متوسط قرار دارند. به منظور بررسی معنی‌دار بودن اختلاف بین صندوق‌های اعتبارات خرد از نظر توانمندی خانوادگی، از آزمون  $F$  استفاده شده و بر اساس نتایج به دست آمده ( $F=5/02$ ;  $p=0/000$ )، این اختلاف در سطح یک درصد معنی‌دار بوده است.

جدول ۵- رتبه‌بندی صندوق‌ها بر مبنای شاخص توانمندی خانوادگی

صندوق‌ها	امتیاز توانمندی خانوادگی	رتبه	سطح توانمندی
دولتیار	۹۹/۴	۷	متوسط
ریزه‌وند	۱۰۸	۴	زیاد
کوسه‌وند	۱۱۴/۱	۳	زیاد
فش	۱۲۲/۲	۱	زیاد
تمرگ	۱۰۸	۴	زیاد
چشمه‌کبود	۹۲/۹	۸	متوسط
پریوه	۱۱۴/۹	۲	زیاد
کندوله	۷۴/۸	۹	کم
الهیه	۱۰۴/۸	۵	متوسط
قیطاس‌آباد	۱۰۰	۶	متوسط
کل	۱۰۳/۹۱	--	متوسط

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، بر اساس نتایج به دست آمده در ارتباط با اثربخشی اعتبارات خرد در توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی (جدول ۶)، روستای فش (۳۰/۲ امتیاز) در رتبه اول و روستاهای پریوه (۲۹/۱ امتیاز) و قیطاس‌آباد (۲۸/۸ امتیاز)، به ترتیب، در رتبه‌های دوم و سوم جای گرفته‌اند؛ روستای کندوله نیز با کسب ۲۲/۸ امتیاز، رتبه دهم را به خود اختصاص داده است. بررسی نتایج جدول ۶، همچنین، نشان می‌دهد که اعضای صندوق‌های فش، پریوه، و

قیطاس آباد از توانمندی اجتماعی بالا برخوردارند، در حالی که زنان عضو صندوق‌های دولتیار، ریزه‌وند، کوسه‌وند، تمرگ، چشمه‌کبود، کندوله، و الهیه از نظر اجتماعی از توانمندی متوسط برخوردارند. همچنین، بر اساس نتایج به دست آمده، کل صندوق‌های مورد مطالعه از نظر توانمندی اجتماعی در سطح متوسط قرار دارند. به منظور بررسی معنی‌دار بودن اختلاف بین صندوق‌های اعتبارات خرد از نظر توانمندی اجتماعی، از آزمون F استفاده شده و بر اساس نتایج به دست آمده ( $F=5/98$ ;  $p=0/000$ )، این اختلاف در سطح یک درصد معنی‌دار بوده است.

جدول ۶- رتبه‌بندی صندوق‌ها بر مبنای شاخص توانمندی اجتماعی

صندوق‌ها	امتیاز توانمندی اجتماعی	رتبه	سطح توانمندی
دولتیار	۲۷/۱	۵	متوسط
ریزه‌وند	۲۶	۷	متوسط
کوسه‌وند	۲۴/۵	۸	متوسط
فش	۳۰/۲	۱	زیاد
تمرگ	۲۷/۲	۴	متوسط
چشمه‌کبود	۲۶/۸	۶	متوسط
پریوه	۲۹/۱	۲	زیاد
کندوله	۲۲/۸	۱۰	متوسط
الهیه	۲۳/۹	۹	متوسط
قیطاس آباد	۲۸/۸	۳	زیاد
کل	۲۶/۶۴	--	متوسط

منبع: یافته‌های پژوهش

از سوی دیگر، رتبه‌بندی شهرستان‌های مورد مطالعه از نظر اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی (جدول ۷) نشان داد که شهرستان کنگاور با بیشترین امتیاز (۱۹۰/۴) رتبه اول را در بین شهرستان‌های مورد مطالعه کسب کرده است. شهرستان‌های هرسین (۱۶۷/۸ امتیاز)، کرمانشاه (۱۶۴/۱ امتیاز)، و صحنه (۱۴۷/۹۷ امتیاز) نیز به ترتیب، رتبه‌های دوم، سوم و چهارم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، از بین شهرستان‌های مورد مطالعه، زنان عضو صندوق اعتبارات خرد در شهرستان کنگاور از نظر توانمندی کل در سطح بالا قرار دارند. زنان عضو صندوق‌های صحنه، هرسین، و کرمانشاه نیز از نظر توانمندی کل در حد متوسط قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی، زنان روستایی استان کرمانشاه از نظر توانمندی کل در سطح متوسط قرار دارند. به‌منظور بررسی معنی‌دار بودن اختلاف بین توانمندی کل زنان روستایی شهرستان‌های استان کرمانشاه از نظر آماری، از آزمون F استفاده شده و بر اساس نتایج به‌دست آمده ( $p=0/010$ ;  $F(158,2)=4/74$ )، این اختلاف در سطح یک درصد معنی‌دار بوده است.

جدول ۷- رتبه‌بندی صندوق‌ها و تعیین سطوح توانمندی کل به تفکیک شهرستان

رتبه	سطح توانمندی	امتیاز توانمندی کل	شهرستان‌ها
۳	متوسط	۱۶۴/۱	کرمانشاه
۱	زیاد	۱۹۰/۴	کنگاور
۲	متوسط	۱۶۷/۸	هرسین
۴	متوسط	۱۴۷/۹۷	صحنه
--	متوسط	۱۶۷/۶	کل

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه، برای بررسی اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زنان روستایی، با استفاده از آزمون  $t$ ، به مقایسه توانمندی زنان عضو و غیرعضو در این سه بعد پرداخته می‌شود.

بر اساس نتایج مقایسه توانمندی اقتصادی زنان روستایی عضو و غیرعضو صندوق‌های اعتبارات خرد (جدول ۸)، تفاوت معنی‌دار در سطح یک درصد ( $p=0/000$ ) بین زنان روستایی عضو و غیرعضو این صندوق‌ها از لحاظ توانمندی اقتصادی وجود دارد؛ به دیگر سخن، اعضای صندوق اعتبارات خرد، با بهره‌مندی از ویژگی‌هایی چون درآمد و پس‌انداز مستقل، دسترسی به منابع و تسهیلات بانکی، و قدرت بازپرداخت، از زنان غیرعضو توانمندترند، به گونه‌ای که بر اساس نتایج بررسی میانگین دو گروه، متوسط امتیاز توانمندی اقتصادی زنان غیرعضو ( $M=20/20$ ) با اختلافی معنی‌دار، کمتر از متوسط امتیاز زنان عضو ( $M=32/39$ ) است. همچنین، مقایسه توانمندی خانوادگی زنان عضو و غیرعضو نشان می‌دهد که اختلافی معنی‌دار ( $p=0/000$ ) بین میانگین امتیازهای زنان عضو ( $M=103/91$ ) و غیرعضو ( $M=89/94$ ) وجود دارد (جدول ۸)؛ به دیگر سخن، اعضای صندوق اعتبارات خرد با بهره‌مندی از قدرت تصمیم‌گیری بیشتر در مورد مسائل مختلف همچون تحصیل، اشتغال، و ازدواج نسبت به زنان غیرعضو از توانمندی خانوادگی بالاتر برخوردارند. از سوی دیگر، نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که تفاوتی معنی‌دار بین توانمندی اجتماعی زنان عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد وجود دارد ( $p=0/000$ )، به گونه‌ای که بر اساس نتایج بررسی میانگین دو گروه، امتیاز توانمندی اجتماعی زنان عضو ( $M=26/64$ ) از امتیاز زنان غیرعضو ( $M=20/09$ ) بیشتر بوده و اختلاف بین دو گروه در سطح یک درصد معنی‌دار است؛ یعنی، اعضای صندوق اعتبارات خرد با بهره‌مندی از شرایطی چون آزادی اجتماعی بیشتر، عضویت در سازمان‌های رسمی و غیررسمی، و شرکت در مجالس مذهبی و غیرمذهبی بیش از زنان روستایی غیرعضو از توانمندی اجتماعی برخوردارند.



## جدول ۸- مقایسه توانمندی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زنان عضو و غیر عضو

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معنیداری
توانمندی اقتصادی	عضو	۳۲/۳۹	۷/۸۲	۱۷/۳۳	۰/۰۰۰
	غیر عضو	۲۰/۲۰	۵/۳۰		
توانمندی خانوادگی	عضو	۱۰۳/۹۱	۲۷/۷۶	۵/۰۲	۰/۰۰۰
	غیر عضو	۸۹/۹۴	۲۶/۰۵		
توانمندی اجتماعی	عضو	۲۶/۶۴	۴/۷۱	۱۴/۰۲	۰/۰۰۰
	غیر عضو	۲۰/۰۹	۴/۲۸		

منبع: یافته‌های پژوهش

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین توانمندی اقتصادی زنان روستایی عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ به دیگر سخن، اعضای صندوق اعتبارات خرد با بهره‌مندی از ویژگی‌هایی چون درآمد و پس‌انداز مستقل، دسترسی به منابع و تسهیلات صندوق، و قدرت بازپرداخت وام نسبت به زنان غیرعضو توانمندترند. اعتبارات خرد این امکان را برای زنان روستایی فراهم می‌سازد که کسب‌وکاری کوچک را راه‌اندازی کنند و از این رهگذر، با افزایش استقلال مالی و دارایی‌های زنان روستایی، توانمندی اقتصادی آنها نیز افزایش خواهد یافت. این یافته با نتایج تحقیق عبدالنصیر و همکاران (Abdul Nasir et al, 2007)، سواين و والتین (Swain and wallentin, 2007)، و رحمان و نوروز (Rahman and Naoroze, 2007) هم‌خوانی دارد. در تفسیر این نتایج، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که لازمه توانمندسازی زنان روستایی اعطای قدرت بدانها در زمینه‌های گوناگون زندگی است و این قدرت به‌دست نمی‌آید مگر با دسترسی آنها به منابع مالی؛ از

این‌رو، بهبود وضعیت زنان از نظر اقتصادی اثراتی قابل ملاحظه را در توانمندسازی آنها برجای می‌گذارد. همچنین، این یافته برخلاف نتایج محمود (Mahmud, 2003)، رحمان و همکاران (Rahman et al, 2009)، و شکوری (۱۳۸۷) است؛ زیرا این پژوهشگران بر این باورند که اندک بودن میزان اعتبارات اعطایی به زنان روستایی چندان تأثیری بر توانمندسازی آنها ندارد. از سوی دیگر، در اغلب موارد، زنان روستایی کنترل مستقیم بر وام دریافتی از صندوق نداشته، به‌ناچار آن را در اختیار مردان خانواده قرار می‌دهند. در نتیجه، نابرابری جنسیتی در خانواده افزایش یافته، زنان بیش از پیش به مردان وابسته می‌شوند.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر وجود تفاوت معنی‌دار بین توانمندی خانوادگی زنان روستایی عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد است؛ به دیگر سخن، افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی در زمینه مسائل گوناگون خانواده و زندگی روزمره موجب افزایش توانمندی آنها می‌شود. در تفسیر این یافته و با توجه به نتایج مطالعات دیگر پژوهشگران، شاید بتوان این‌گونه استنباط کرد که زنان قابلیت و توانایی تصمیم‌گیری در مورد امور مختلف خانواده را دارند، اما وجود محدودیت‌ها و موانع مختلف در جامعه موجب می‌شود که این توانایی در آنها تحلیل برود. عدم دسترسی به اعتبارات یکی از همین محدودیت‌هاست؛ به عبارت دیگر، محدودیت زنان روستایی در انجام فعالیت‌های تولیدی درآمدزا در اغلب موارد مانعی در ایجاد موقعیت مناسب برای آنها محسوب می‌شود. بنابراین، فعالیت اقتصادی زنان روستایی موجب می‌شود که آنها بتوانند همانند مردان در تصمیم‌گیری‌های خانواده شرکت کنند (Arku and Arku, 2009). از این‌رو، قرار دادن اعتبارات خرد در اختیار زنان روستایی به‌منظور راه‌اندازی مشاغل تولیدی با افزایش سرمایه و بهبود موقعیت آنها در جامعه، افزایش قدرت تصمیم‌گیری و در نتیجه، توانمندی آنها را به‌دنبال خواهد داشت. این یافته با یافته‌های مطالعات نیدهیش (Nidheesh, 2009) و استیل و همکاران (Steele et al, 1998) هم‌خوانی دارد.

همچنین، نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بین توانمندی اجتماعی زنان روستایی عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی، حضور زنان در مجامع عمومی و آزادی‌های اجتماعی آنها توانمندی آنها را به‌دنبال خواهد داشت. یکی از عوامل بازدارنده توانمندسازی زنان روستایی عدم آگاهی آنها از حقوق و قابلیت‌های خویش است. حضور فعال زنان روستایی در عرصه‌های مختلف اجتماع موجب می‌شود که آنها با مشاهده شرایط زنان در مناطق شهری و موقعیت‌های اجتماعی برخی از زنان موفق شهری، از قابلیت‌های خود آگاه شوند و برای دستیابی به موقعیت‌های بهتر تلاش کنند. همچنین، تحرکات اجتماعی زنان روستایی موجب می‌شود که آنها بتوانند با بهبود روابط اجتماعی خود با دیگران، نگرش اطرافیان و جامعه را نسبت به خود تغییر دهند. این یافته با نتایج پژوهش‌های پاندی و سینگ (Pandy and Singh, 2008) مطابقت و هم‌خوانی دارد. در پایان، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، به‌منظور یاری مسئولان صندوق‌های اعتبارات خرد در زمینه سیاست‌گذاری‌های این نهاد، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به اثربخشی بیشتر برخی از صندوق‌های اعتبارات خرد استان کرمانشاه در توانمندسازی زنان روستایی از ابعاد مختلف، به دفتر امور زنان روستایی و عشایری کشور و استان توصیه می‌شود که با برگزاری جشنواره‌های سالانه، از نمونه‌های موفق اعضای صندوق اعتبارات خرد و همچنین، صندوق‌های برتر هر استان تقدیر شود. این کار ضمن ایجاد انگیزه در اعضا و مسئولان صندوق، موجب رقابت سازنده بین صندوق‌های مختلف می‌شود؛

- از آنجا که صندوق‌های اعتبارات خرد در جامعه مورد مطالعه در توانمندسازی زنان روستایی موفق عمل کرده‌اند، به دفتر امور زنان روستایی توصیه می‌شود که با گسترش صندوق‌های اعتبارات خرد، امکان دسترسی سایر اقشار جامعه (از جمله جوانان روستایی و

خرده‌مالکان) فراهم شود. همچنین، با راه‌اندازی سامانه صندوق اعتبارات خرد در کشور، می‌توان اعضای صندوق اعتبارات خرد را با تجارب یکدیگر آشنا ساخت؛ و

- رتبه‌بندی صندوق‌های اعتبارات خرد در مطالعه حاضر می‌تواند بستری مناسب را برای مطالعات آتی فراهم سازد، بدین صورت که بررسی دلایل تفاوت صندوق‌ها از نظر اثربخشی آنها در توانمندسازی اعضای این صندوق‌ها می‌تواند موضوعی برای پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعه در این زمینه باشد.

### یادداشت‌ها

1. empowerment
2. content validity
3. Cumulative Empowerment Index (CEI)

### منابع

- انصاری، حمید (۱۳۷۴)، «تعاونی‌های زنان روستایی، ضرورت یا موج»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه‌نامه زنان در کشاورزی*، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۲۵-۵۸.
- اولایی، سعیده (۱۳۸۵)، *تحلیل جنسیتی مشارکت در کشاورزی در جامعه روستایی شهرستان کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ و حجازی، الهه (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- شکوری، علی (۱۳۸۷)، «سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (SID)*، سال ۱۶، شماره ۶۱، صص ۱۲۹-۱۵۹.
- مافی، فرزانه (۱۳۸۵)، *اعتبارات خرد (ویژگی‌ها، تجارب، ملاحظات، راهبردها)*. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش اقتصادی، گروه فرهنگی انتشارات شادان.
- ویسی، هادی و بادسار، محمد (۱۳۸۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت‌های روستایی: مطالعه موردی استان کردستان». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۳، صص ۱۸-۴۱.
- یعقوبی، جعفر (۱۳۸۴)، «بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان». *پژوهش زنان*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۴۶.

- 
- Abdul Nasir, J.; Akhtar, M.; and Salim, R. (2007), "Measuring and modeling the domestic empowerment of rural women in Pakistan". *Journal of Statistics*, Vol. 14, No. 3, pp. 20-31.
- Arku, C. and Arku, F. S. (2009), "More money, new household cultural dynamics: women in micro-finance in Ghana". *Development in Practice*, Vol. 19, No. 2, pp. 200-213.
- Hoque, M. and Itohara, Y. (2009), "Women empowerment through participation in micro-credit program: a case study from Bangladesh". *Journal of Social Sciences*, Vol. 5, No. 3, pp. 244-250.
- Mahmud, S. (2003), "Actually how empowering is microcredit?". *Development and Change*, Vol. 34, No. 4, pp. 577-605.
- Nidheesh, K. B. (2009), "Study on the changing process of Kerala women through Kudumbashree in Kerala". *International NGO Journal*, Vol. 4, No. 8, pp. 352-361. Retrieved at: 2009/06/15. Available on: <http://www.academicjournals.org/INGOJ>.
- Pandy, S. and Singh, M. (2008), "Women empowerment and personal values as predictors of reproductive health". *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, Vol. 34, No. 2, pp. 309-316.
- Rahman. M. and Naoroze, K. (2007), "Women empowerment through participation in aquaculture: experience of a large-scale technology demonstration project in Bangladesh". *Journal of Social Sciences*, Vol. 3, No. 4, pp. 164-171.
- Rahman, S.; Junankar, P. N.; and Mallik, G. (2009), "Factors influencing women's empowerment on microcredit borrowers: a case study in Bangladesh". *Journal of the Asia Pacific Economy*, Vol. 14, No. 3, pp. 287-303.

- Skarlatos, K. (2004), "Microfinance and women's empowerment: bridging the gap, redesigning the future". *Wisconsin Coordinating Council on Nicaragua, Working Paper Series No 1*.
- Steele, F.; Amin, S., and Naved, R. (1998), "The impact of an integrated micro-credit program on women's empowerment and fertility behavior in rural Bangladesh". *Population Council, Working Papers*, Vol. 11, No. 115, pp. 1-43.
- Swain, R. B. and Wallentin, F. Y. (2007), "Does microfinance empower women?". Retrieved at: 2011/05/23. Available on: [http://swopec.hhs.se/uunewp/abs/uunewp2007\\_024.htm](http://swopec.hhs.se/uunewp/abs/uunewp2007_024.htm).